

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ یادآوری؛ بررسی تنبیه دوم از تنبیهای اخبار من بلغ؛ آیا کراهت ملحق به استحباب است؟ بررسی سه مطلب در تنبیه دوم این بحث که آیا کراهت ملحق به استحباب هست این را در جلسه گذشته مطرح کردیم به دنبال این مطلب باید دو مطلب دیگر را در همین جا ذکر کنیم ولو این که مرحوم محقق اصفهانی یکی از این دو مطلب را به عنوان تنبیه چهارم به صورت مستقل بیان کرده اند. و آن دو مطلب، این است

## مطلب دوم: آیا قاعده تسامح در ادله سنن شامل خبر ضعیف دال بر وجوب می شود؟

«مطلب دوم»: این است که اگر یک خبر ضعیفی دلالت بر وجوب داشته باشد آیا این بحث تسامح در ادله سنن می تواند این مورد را هم شامل شود و بگویم خبر چون خبر ضعیف است ما وجوب را استفاده نکنیم اما بیاییم استحباب را استفاده کنیم

## محقق اصفهانی: مشهور قائل است بنابر قاعده تسامح در ادله سنن، از روایت ضعیفه دال بر وجوب، استحباب استفاده می شود

و این مطلب همان طوری که مرحوم محقق اصفهانی در صفحه 191 از جلد چهارم «نهاية الدراية» فرموده مشهور بر این معنا هستند و مشهور می گویند اگر یک روایت ضعیفه ای دال بر وجوب باشد و چون ضعیف است ما نمی توانیم وجوب را اخذ کنیم پس می آییم روی قاعده تسامح در ادله سنن این روایت را حمل بر استحباب می کنیم و از این راه، استحباب را استفاده می کنیم.

## تبیین نظریه مشهور به دو بیان

حال آیا این مطلب صحیح است یاخیر؟ پاسخ این است که دو بیان اینجا برای اثبات این مدعا وجود دارد.

## بیان اول: اِخبار از وجوب، بالملازمه اِخبار از ثواب است پس مصداق اِخبار من بلغ است

«بیان اول»: یک بیان این است که در اِخبار من بلغ مسئله «بلوغ ثواب» مطرح است. و اِخبار از وجوب، بالملازمه اِخبار از ثواب است. اگر در یک روایتی وارد شد که این فعل واجب است پس اِخبار از وجوب اِخبار از ثواب است. در نتیجه هر روایت داله بر وجوب، دلالت بر ثواب دارد. حالا که دلالت بر ثواب دارد لذا می شود مصداق اِخبار من بلغ. یعنی «من بلغه فی شیء من الثواب» یا «من بلغه شیء من الثواب» آن وقت بگوییم که اگر ما از این روایت ضعیفه بالملازمه استحباب را یعنی بلوغ را استفاده می کنیم پس این بلوغ کشف از استحباب می کند؛ پس این بیان دو مقدمه دارد. مقدمه اولی: اِخبار از وجوب اِخبار از ثواب است. مقدمه دوم: اِخبار از ثواب اِخبار از استحباب است در نتیجه مشهور می گویند اگر یک روایت ضعیفه ای وارد شد و دلالت بر وجوب یک شیء داشت ما استحباب را استفاده می کنیم البته روی همین قاعده تسامح در ادله سنن.

## بیان دوم: از اِخبار من بلغ، ثواب بر فعل استفاده می شود نه مسئله عقاب بر ترک و این همان رجحان الفعل و استحباب است

بیان دوم که آن هم تقریباً نزدیک به همین بیان اول است این است که این روایات و اِخبار من بلغ می آیند ثواب بر فعل را دلالت دارند. یعنی دلالت دارند بر این که این فعل ثواب دارد. ما از اِخبار من بلغ عقاب بر ترک را که استفاده نمی کنیم. در اِخبار من بلغ می گویند اگر «من بلغه شیء من الثواب فعمله کان له اجر ذلک». از اِخبار من بلغ، ثواب بر فعل استفاده می شود نه مسئله عقاب بر ترک؛ در وجوب دوطرف دارد؛ یک طرف ثواب بر فعل است و یک طرف عقاب بر ترک است. حالا اگر این خبر ضعیف بود و نتوانست عقاب بر ترک را اثبات کند اما ثواب بر فعلش ثابت می شود. به عبارت دیگر: این طور بگوییم که وجوب یک حقیقت مرکبی دارد. 1. طلب الفعل. 2. المنع من التکر اِخبار من بلغ می آید این «طلب الفعل» آن را اثبات می کند اما «منع من التکر» با اِخبار من بلغ اثبات نمی شود. حالا که «منع من التکر» درست نشد اما طلب الفعلش درست شد این همان رجحان الفعل است و این همان استحباب است. این دو بیان برای مدعای مشهور.

## بررسی صحت نظریه مشهور

حالا آیا این نظریه مشهور در اینجا درست است یا نه؟ اشکال بیان دوم: این بیان واجد اشکالی مبنایی است چه اینکه متاخرین قائلند وجوب، معنایی بسیط دارد نه مرکب بیان دوم اشکال مبنایی دارد برای این که الآن متأخرین همه قائل هستند به این که وجوب دارای یک معنای بسیطی است و دارای معنای مرکب نیست. مبنای دوم مواجهه با این اشکال مبنایی است.

## بررسی بیان دوم

اما بیان اول این اشکال مبنایی بر آن وارد نیست چون در اولی می گوییم اِخبار از وجوب، اِخبار از ثواب است و اِخبار از ثواب، اِخبار از استحباب است پس با خبر ضعیف باید استحباب یک فعلی ثابت شود.

## محقق روحانی: این بیان ادعا را نمی تواند ثابت کند زیرا در اخبار من بلغ، باید به داعی رسیدن به ثواب عمل انجام شود در حالیکه در واجبات عمل برای فرار از عقاب انجام می شود

اینجا صاحب کتاب منتقی الاصول (ره) فرموده که این هم نمی تواند ادعا را اثبات کند برای این که در اخبار من بلغ باید به داعی رسیدن به این ثواب شما عمل را انجام دهید. «من بلغه شیء من الثواب فعمله التماساً لثواب الموعود». اخبار من بلغ موضوعش عمل است به داعی رسیدن به این ثواب است در حالی که شما در واجبات عمل را برای فرار از عقاب انجام می دهید وقتی مولا یک فعلی را بر شما واجب می کند این عمل را انجام می دهید «خوفاً من العقاب و فراراً من العقاب» و آنجا به عنوان این که این فعل مصلحت دارد و من ثواب ببرم نیست. این اشکالی است که ایشان دارد.

### دو مناقشه بر نظر محقق روحانی

این اشکال ایشان دو جواب دارد

#### مناقشه اول: واجبات عمدتاً برای رسیدن به ثواب انجام می شود نه فراراً عن العقاب

جواب اول این است که این چه فرمایشی است که شما دارید. در واجبات عمدتاً برای رسیدن به ثواب انسان انجام می دهد البته ممکن است در بعضی مواقع «فراراً من العقاب» هم باشد اما نوعاً نوع واجباتی که مردم انجام می دهند برای وصول به ثواب است

#### مناقشه دوم: اشکال محقق روحانی خروج از محل فرض است و این اشکال صاحب منتقی در فرضی جاری است که کسی بخواهد عمل را به داعی وجوب انجام بدهد

اما اشکال دوم که اشکال مهمتری است این است که این اشکال خروج از محل فرض است و محل فرض ما این است که بگویم اگر یک روایت ضعیفه ای دلالت بر وجوب کرد ما بگوییم اخبار از وجوب، اخبار از استحباب است و اخبار از وجوب، اخبار از ثواب است و اخبار از ثواب، اخبار از استحباب است. یعنی مشهور که می گویند اخبار من بلغ شامل خبر ضعیف دال بر وجوب می شود اینها نمی گویند که دیگر شما به داعی وجوب انجام بدهید. این اشکال صاحب منتقی در فرضی است که کسی بخواهد عمل را به داعی وجوب انجام بدهد بعد ایشان می فرمایند وجوب هم «فراراً من العقاب» است و از مورد اخبار من بلغ خارج است. خیر چنین نیست یعنی مشهور که می آید خبر ضعیف دال بر وجوب را این را هم می گویند از موارد اخبار من بلغ است و با آن استحباب استفاده می شود می گویند حالا دیگر شخص عمل را به داعی رسیدن به ثواب انجام بدهد. خلاصه اینکه: پس دو اشکال بر این فرمایش ایشان وارد است خلاصه مطلب این شد اگر کسی وجوب را امر مرکبی بداند اخبار من بلغ استحباب را اثبات می کند یعنی اگر یک روایت ضعیفه ای دلالت بر وجوب داشت و ما بگوییم این وجوب مرکب است از «طلب الفعل مع المنع من الترك» می گوئیم چون خبر خبر ضعیفی است و «منع من الترك» آن ثابت نمی شود.

اما «رجحان الفعل و طلب الفعل» آن ثابت می شود و استحباب با اخبار من بلغ ثابت می شود و اگر کسی گفت که وجوب یک معنای بسیط دارد اینجا این استدلال که اخبار از وجوب، اخبار از ثواب است درست است و مشمول اخبار من بلغ می شود و این اشکالی که صاحب منتقی کرده که ایشان می گوید «الحق عدم الشمول» حق این است که اخبار من بلغ شامل یک روایت ضعیفه دال بر استحباب نمی شود چون مورد اخبار من بلغ آنجایی است که به داعی بلوغ ثواب باشد و این وجوب به داعی فرار «عن العقاب» است این را عرض کردیم که مواجهه با دو اشکالی است که بر ایشان وارد است نتیجه این است که روی مبنای مشهور که تسامح در ادله سنن را قبول دارند اخبار من بلغ شامل خبر ضعیف دال بر وجوب می شود همان طوری که مرحوم اصفهانی می فرمایند مشهور هم این نظریه را دارند.

## نکته اینکه: ثواب در وجوب، مختص به خود وجوب است

بله یک نکته دیگری در کلام مرحوم اصفهانی است که آن نکته این است بگوییم ثوابی که در وجوب است مختص به خود وجوب است یعنی ثواب مربوط به وجوب، مختص به خود وجوب است اگر وجوب ثابت نشد آن هم از بین می رود. تعبیر مرحوم اصفهانی این است. «و حیث ان البالغ» یعنی آن خبری که رسیده «هو الوجوب بحده فالثواب اللازم له هو الثواب اللازم للمحدود بحد خاص لا مطلق الثواب». ثوابی که لازم است ثواب خود این وجوب است نه مطلق ثواب. به عبارت دیگر: اصفهانی می گوید اگر در خبر ضعیف اخبار از وجوب، اخبار از یک مطلق خطاب باشد خوب این الحاق مشهور درست است اما اگر ثواب مشروط و منوط به این محدود خاص که عبارت از وجوب باشد وقتی نبود آن ثواب هم منتفی می شود اگر این را هم گفتیم اینجا دیگر این اخبار شامل نمی شود پس ببینید اشکال صاحب منتقی اشکال واردی نیست که دو جواب داشت که عرض کردیم و بعد از او دو راه ذکر کردیم برای عدم الحاق. راه اول این است که بگوییم «من بلغه شیء من الثواب» این بلوغ به دلالت مطابقی است ظهور در همین هم دارد. و «من بلغه شیء من الثواب» یعنی به دلالت مطابقیه و شامل دلالت التزامی نمی شود. حالا اشکال دوم اشکال مرحوم اصفهانی است که بگوییم بر فرض این که بگوییم شامل دلالت التزامی هم بشود باید یک ثواب مطلق یا مطلق الثوابی باشد و این جا ثواب مربوط به وجوب را دارد بیان می کند و اگر وجوب از بین رفت این ثواب هم از بین می رود.

## بررسی مطلب سوم در تنبیه دوم: اگر خبر ضعیفی دال بر حرمت یک عملی باشد آیا می توان از آن کراهت فهمید؟ یعنی آیا مشمول اخبار من بلغ هست یا خیر؟

مطلب سوم: آیا اگر یک خبر ضعیفی دلالت بر حرمت یک شیء داشت ما عرض کردیم در این تنبیه دوم یعنی یک مطلب را در جلسه گذشته گفتیم که آیا خبر ضعیف دال بر کراهت آن هم مثل استحباب است یا نه؟ بحث آن را کردیم و خبر ضعیف دال بر وجوب آیا مشمول اخبار من بلغ است که امروز گفتیم مطلب سوم در همین تنبیه دوم این است اگر یک خبر ضعیفی دلالت بر حرمت یک شیء بکند آیا ما می توانیم از اینجا کراهت آن شیء را استفاده کنیم یا نه؟ بیان کسانی که می گویند می شود کراهت را استفاده کرد می گویند وقتی یک روایت ضعیفه ای می گوید فلان عمل واجب است این به دلالت التزامی دلالت دارد بر ترک آن ثواب است وقتی بر ترکش ثواب شد یعنی ترکش استحباب دارد. یعنی ما می توانیم بگوییم وقتی بر ترک یک شیئی ثواب هست می رود داخل بر اخبار من بلغ از آن استفاده کنیم استحباب ترک را؛ و استحباب ترک همان کراهت است.

## دو وجه عدم شمول اخبار من بلغ نسبت به خبر ضعیف دال بر حرمت

اینجا دو وجه ذکر شده برای عدم شمول که بگویم اخبار من بلغ دیگر خبر ضعیف دال بر حرمت را شامل نمی شود.

### وجه اول: اخبار من بلغ، جایی را شامل می شود که داعی عبارت از بلوغ ثواب باشد و این در محرمات وجود ندارد

وجه اول این است که اخبار من بلغ تا آنجایی را شامل می شود که داعی عبارت از بلوغ ثواب باشد و این در محرمات وجود ندارد زیرا در محرمات دیگر داعی فرار از عقاب است. این را ما قبول داریم تمام محرماتی که مردم ترک می کنند و شارع متعال را امتثال می کنند امتثال در محرمات نیست مگر برای حفظ از عقاب. چرا دروغ نمی گوئیم چون جهنم نرویم و چرا غیبت نمی کنیم چون جهنم نرویم. چرا شراب نمی خوریم برای این که جهنم نرویم. پس تماش برای فرار از عقاب است. و اصلاً این مورد اخبار من بلغ ارتباطی به محرمات ندارد و مورد اخبار من بلغ این است که انسان فعلی را یا کاری را به داعی بلوغ ثواب انجام بدهد در آنجایی که یک فعلی، عنوان حرام را دارد انسان «فراراً عن العقاب» آن را ترک می کند این بیان اول.

### وجه دوم: در محرمات، صدق عنوان بلوغ ثواب، محل تردید است؛ در باب نهی دو مبنا وجود دارد 1. زجر و منع از فعل 2. طلب ترک

وجه دوم این است که اساساً حالا کاری به داعی هم نداشته باشیم در موارد محرمات خود صدق عنوان بلوغ ثواب، محل تردید است. و با قطع نظر از این که به چه داعی انسان دارد انجام می دهد بگوئیم اگر یک خبری دلالت بر حرمت یک شیئی کرد آیا اینجا «یصدق علیه بلوغ الثواب ام لا»؟ در باب واجبات می گفتیم تردیدی نداریم اخبار از وجوب، اخبار از ثواب است. و اخبار از وجوب که شد مصداق «من بلغه شیء من الثواب» محقق می شود اما در محرمات، این عنوان بلوغ ثواب مشروط است. چرا؟ توضیحش این است که محرمات یعنی آن که نهی دارد. در باب نهی دو مبنا وجود دارد در تفسیر نهی در اول نواهی خواندید. مبنای اول: این است که نهی عبارت است از زجر. مشهور می گویند امر «طلب الفعل» است و نهی «الزجر عن الفعل» و «المنع عن الفعل» است. وقتی مسئله زجر و منع شد اینجا دیگر مسئله بلوغ ثواب معنا ندارد. انسان عمل را انجام نمی دهد به خاطر آن مفسده ای که در عمل وجود دارد به خاطر عقابی که در آن وجود دارد. مبنای دوم: که مبنای آخوند خراسانی و جمع دیگری است، می گویند نهی عبارت از زجر نیست. بلکه نهی «طلب الترك» است.

### بررسی مبنای دوم: آیا رجحان ترک به معنای ثواب بر ترک است؟

آیا روی این مبنا می توانیم بگوئیم که نهی «طلب الترك» است و حرام؟ یعنی آن که ترکش رجحان دارد یعنی ثواب دارد و ثواب بر ترکش هست. نظر مختار: رجحان ترک به معنای ثواب بر ترک نیست بلکه ظاهر در این است که در فعلش مفسده است جواب می گوئیم که درست است وقتی می گوئیم نهی، طلب ترک است یعنی ترک رجحان دارد. اما این رجحان ترک، معنایش این نیست که در این ترک، ثواب است. رجحان ترک ظهور در این دارد که در فعلش مفسده ظهور دارد وقتی می گوئیم که این ترکش رجحان دارد یعنی در فعلش یک مفسده ای دارد که آن مفسده را تو انجام نده و محقق نکن. نه این که در ترکش ثواب وجود داشته باشد. پس اگر نهی را به «طلب الترك» هم ما معنا کردیم «طلب الترك» به معنای وجود ثواب و به معنای ترتب

ثواب نیست. خلاصه اینکه: این هم روشن است که اگر ما آمدم قائل شدیم که خبر ضعیف دال بر کراهت ملحق است و ما الحاق در آنجا را قبول کردیم همان طور که خبر ضعیف دال بر وجوب را نمی پذیریم الحاقش را؛ خبر ضعیف دال بر حرمت را هم الحاقش را نمی پذیریم. با همین دو بیانی که الان عرض کردیم. بیان اول: این شد که داعی در محرمات بلوغ ثواب نیست داعی در محرمات این است که انسان گرفتار عقاب نشود. بیان دوم: این است که موضوع اخبار من بلغ که بلوغ الثواب است صدقش در اینجا محل تأمل و محل اشکال است. وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ